

آسیبی که بسیاری از اندیشمندان

جهان نسبت به آن هشدار داده‌اند و «واتسون» آینده پژوه غربی آن را به عنوان یکی از بزرگ‌ترین بحران‌های بشری در سال ۲۰۵۰ معرفی می‌کند؛ «تفرد» و «تنهایی» است؛ امری که با نگاهی گذرا به وضعیت جوامع، توسط هر یک از ما قابل لمس است و اخیراً با اعلام انگلستانس مبنی بر اضافه کردن وزارتخانه‌ای جدیدالتأسیس در دولت با عنوان «وزارتخانه تنهایی»، «بحران سنج» مباحثمشائسان و روانشناسان را که مدت‌هاست مرزهای هشدار را درنوردیده به لایحهٔ جهانی رسانید که صدای آن گوش کوچک و بزرگ را سخت آزرداکنون همه مردم جهان خود را در معرض تهدیدی بزرگ می‌بینند که دیگر مربوط به سال‌های پیرنشان نیست، بلکه دقیقاً در آوج جوانی آنان را به مبارزه می‌طلبد. توجع و در نتیجه تنهایی پیامد بزرگی است که عصر مدرن آن را برای ساکنان خود به ارمغان آورده است؛ اما بر اثرچه عواملی ایجاد می‌شود و چه پیامدهایی را متوجه ما می‌کند؟ و چه کسانی را به خود خود فرو خواهد برد؟

وزارتخانه تنهایی!

مدتی پیش اخباری در جهان منتشر شد مبنی بر آنکه انگلستان با داشتن جمعیت ۹ میلیونی از انسان‌های تنها تنها تصمیم به تأسیس وزارتخانه‌ای جدید به نام وزارتخانه تنهایی گرفته است؛ چرا که مشکلات عمده این جمعیت میلیونی نیازمند تخصیص توان و بودجه‌ای مستقل است. این خبر بینانی آسیبی گسترده در عمق جوامع انسانی است؛ آسیبی که از یک سو موجب دل جمعیّت پیری بیرون می‌آید که پیوسته بر تعدادشان افزوده و متقابل از تعداد جوانان کاسته می‌شود و در نتیجه هر روز شاهد اضافه شدن بر تعداد ساکنین بزرگ تنها» در آپارتمان‌هایشان هستیم اما از آن درداوروز، افزایش روزافزون جوانان آینده‌ی ساکن آن آپارتمان‌هاست؛ تعدادی که نسل پسران را و به ویژه نسل اقوامی خاص را بیش از سایرین،

یک تصویر از یک فرد تنها

امروزه به علت پیچیدگی و گاهی بدیع بودن مسائل زندگی اجتماعی، نه‌تنها اخذ نتیجه مطلوب از اجرای طرح‌ها و برنامه‌ها به‌خصوص استفاده از ابزار و روش‌های نوین، مستلزم تهیه و تأمین پیش‌نیازهای مرتبط با موضوع است، بلکه در بسیاری از موارد، کم‌توجهی به این نکته می‌تواند، نتیجه معکوس در پی داشته و برای کشور و جامعه و حتی محاسنزیست، خسارت‌آفرین و زیانبار باشد. در واقع در این گونه امور، حتماً باید قبل از اجرا با بهره‌برداری، زیرساخت‌های فنی، فرهنگی و قانونی مورد نیاز فراهم و سپس اقدامات ثانوی به‌عمل آید، البته همان‌گونه که اشاره شد، این موضوع فقط به پروژه‌های عمرانی محدود نمی‌شود، بلکه مسائل علمی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتی نظامی را نیز شامل می‌شود.

چند مثال از پیش نیاز آموزش و فرهنگ‌سازی

به عنوان مثال؛ در بخش فنی، استفاده از ابزاری مانند اینترنت، فضای مجازی، ماهواره و حتی بازی‌های رایانه‌ای، بدون فرهنگ‌سازی و وضع قوانین بازدارنده، می‌تواند مشکلات اخلاقی و فرهنگی و مخاطرات امنیتی اجتماعی متعددی را به کشور و جامعه تحمیل نموده و حتی منجر به ایجاد تردید و تزلزل در مبانی اعتقادی افراد گشته و به‌تدریج اصول و ارزش‌های اجتماعی و دینی جامعه را به نفع بیگانگان، دچار تغییر نماید.

این موضوع به قدری حائز اهمیت است که حتی برای سرمداران کشورهای مدعی آزادی مانند؛فرانسه،انگلیس و حتی آمریکا و روسیه نیز به یکغدغهٔ جدی تبدیل شده است و اگرچه در اکثر موارد، تولیدات در این حوزه‌ها کاملاً همسو با سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی غربی‌ها صورت می‌گیرد و با این‌که معمولاً در کشورهای مورد اشاره، نظارت‌های سخت‌گیرانه‌ای بر فرآیند انجام کارها وجود دارد، اما به‌نظر می‌رسد، در پاره‌ای از امور از جمله موضوع فضای مجازی، کنترل حتی از دست کشورهای سازنده و پیشرو نیز خارج شده است. البته برخی از کشورها مانند ژاپن و کره جنوبی، از همان اوایل مواجهه با

«هیتلر» در کتاب «جبر من» فرمول معروفی را در زمینه «پروپاگاندا» مطرح می‌کند که شیوه بنیادین در تبلیغات جهان امروز بر اساس این فرمول واقع شده و آن عبارت است از اینکه: «وقتی می‌خواهید جامعه‌ای را به سوی چیزی کشید، حیوانی‌ترین و پست‌ترین غریزه او را نشانه پروپاگاندا یا تبلیغات خود قرار دهید. غده آد دهن او را برای یکی آنگهی کنسرو و غریزه جنسی او را برای آنگهی یک جوارب یا یک اتومبیل آخرین سیستم تحریک کنید». شاید شما هم به کرار از دینید بر تعداد بیلبوردهای تبلیغاتی در شهر به ستوه آمده باشید، یا هنگام تماشای تلویزیون دیدن پیام‌های بازرگانی، از خود پرسیداید که چه ارتباطی بین یک خانم ریزبوی زنا هفت قلم آرایش کرده با فرش ماشینی یا روغن مایع و دیگر اقلام خوراکی و غیرخوراکی می‌تواند وجود داشته باشد، یا شاهد اینثال تبلیغاتی که در رسانه‌های مجازی وجود دارد بوده‌اید، و این موارد و صدها نمونه دیگر ذهن شما را درگیر سوالاتی کرده باشد. ناگفته نماند که اگر بن‌توان با سنسجام زیاد لفظ «سالام» را بر رسانه‌های ایران اطلاق کرد، رسانه‌های ما سالم‌ترین رسانه‌های دنیا هستند، اما با این حال از اطلاق شیوه جهانی تبلیغات که بر اساس فرمول مذکور است مستثانه و خارج نشده‌اند. از این‌رو در تبلیغات بانک‌ها شاهد این حقیقت قیام هستیم که برای جذب سرمایه مردم از جاذبه‌های مادی جوائز گران‌بها، تخاهای لوکس، اتومبیل‌های گران‌قیمت، سکه و طلا و دھزاره‌وز و برق گوناگون دیگر گرفته تا ساختمان‌های چشمگیر و تجملاتی بهترین نقاط شهر که خود یکی از شیوه‌های تبلیغاتی است بهره می‌جویند که بنابر همان فرمول معروف و مرسوم «پست‌ترین غریزه بشر»، مادی‌گرایی و دنیاپوستی افراد را نشانه رفتند؛ و این مادی‌گرم و برق، دیده و عقل را از سحر می‌کنند. مثال بانک از این‌رو زده شد، که با مسئله این یادداشت مرتبط است. در واقع مسئله‌ای که این یادداشت پس از مقدمه فوق به دنبال آن می‌رود در گرو پاسخ به

کتاب کاهش جمعیت ازدواج و تحدید نسل

کتاب کاهش جمعیت (فاجعه تقلیل ازدواج و تحدید نسل) از سسری

کتاب‌های سبک زندگی اسلامی است که به موضوع ازدواج و تشکیل خانواده و همچنین اهمیت فرزندآوری و تکثیر نسل به عنوان یکی از موضوعات مهم این روزهای جامعه اختصاصی دارد.
این کتاب دارای سرفصل‌های مهمی همچون؛ ازدواج؛ بنیان قدسی، جوهر زندگی و ضامن حیات ملی، ضرورت بحث ازدواج و اهمیت کلی آن، اهمیت ازدواج در فرهنگ و تعلیم اسلام، آثار، منافع و کارکردهای ازدواج، تشکیل خانواده، مباحثی در اصول ازدواج به سبک اسلامی، ازدواج و تشکیل خانواده از نگاه رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران، جمعیت و نقش آن در مشارکت عمومی و تقویت اقتدار ملی، اهمیت فرونی جمعیت و تکثیر نسل در نگاه قرآن و روایات، تحولات تاریخی جمعیت ایران از آغاز تاکنون، دیدگاه جمعیتی رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران و… می‌باشد.

نویسنده این کتاب که به تازگی و در پی تأکدهای رهبر انقلاب در موضوعات فوق نوشته شده، علی معصومی است و ناشر آن موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت می‌باشد.

کالبدشکافی بزرگ‌ترین دستاورد سبک زندگی مدرن

مرثیه تنهایی

زهرآ کبابی *



فخر خود در مجامع جهانی می‌داند. افتخار بر سر پیشی گرفتن در «سبک زندگی تنهایی» نسبت به خود جوامع مدرن است. این زنان و دخترانی که تا این روزها بی‌ساخته همه کشورهای جهان و در حضور زنان و دخترانن سبک زندگی غربی می‌کند و رؤیای لاکچری‌گری را در اذهان‌شان می‌کارد که چنانچه فرد را به دیدن فیلم و کار در شبکه‌های اجتماعی معناد کند، خوب سبب غفلت از ساختن زندگی آینده‌اش خواهد شد در بهترین حالت به کار شایسته‌روزی باقی می‌ماند و در برابر خواستگارانتشان ورد زبانشان بود و پسران ناگامی که

آموزش و فرهنگ‌سازی، پیش‌نیاز بهره‌برداری مطلوب در عرصه‌های مختلف جامعه



از آنجا که حفظ مصالح کشور و رعایت منافع جامعه از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است، لذا اطلاع‌رسانی و شفاف‌سازی اطلاعات، یکی دیگر از موضوعات نیازمند نیازدیندگی شدن و فرهنگ‌سازی است که اولاً نباید دستخوش افراط و تفریط شود و ثانیاً همزمان با سیاستگذاری کلی و کلان در این زمینه، باید تدابیر لازم برای ارتقاء بلوغ فکری جامعه و افزایش حساسیت‌های امنیتی در اصحاب رسانه، برای استفاده مطلوب از این فرصت اندیشیده شود.

مثال دیگر می‌تواند فرهنگ‌سازی در عرصه‌های سیاسی باشد. تجارب برگزاری بیش از ۳۰ انتخابات مختلف در کشور ثابت کرده که استفاده اصولی و درست از مشارکت مردم در انتخابات مختلف نیز، علاوه بر ضرورت بازنگری در فرآیند و مراحل مختلف برگزاری انواع انتخابات جاری در کشور، شدنی‌انیزآیند فرهنگ‌سازی و ایضا اصلاح نظام فکری و ساختار سیاسی کشور در این بخش است.

وقتی تمام شئون انسانی در خدمت اقتصاد قرار گیرد

بانک، رسانه و پروپاگاندا

داود مودنیان

و تعالی انسان‌ها است نیز همانند نظام مستولی بر دنیاى امروز که مبتنى بر «اصل توسعه» - آن هم ملخص در اقتصاد به نحوى که سایر جروهه مرتبط با توسعه مانند توسعه فرهنگى و آموزش و پرورش، ذیل برنامه «توسعه اقتصادى» تعریف و برنامه‌ریزى می‌شوند- در تبلیغات به معنای عام و نیز در تبلیغات به معنای اخص که همان موضوع یادداشت پیش‌رو است طبق فرمول جهانی «صالح‌ترین غریزه» پیش می‌رود را باید در جایگزین «صالح‌الت توسعه» به جای «صالح‌تکامل و تعالی» جست‌وجو کرد. شهید اومنی در کتاب «توسعه و مانی‌ت تمدن غرب» آرمان توسعه یافتگاری را زاینده اصالت بخشیدین به رشد اقتصادی و غلبه اقتصاد بر تمامی وجوه بشر معرفی کرده و می‌نویسد: «آنچه باعث شده تا بشر غربی برای اتمام این‌چنین مقامی قاتل باشد ماده‌گرایی و نسیان حق است.»

تفاوت دیدگاه اسلام و نظام سرمایه‌داری
در نقطه مقابل «اصالت توسعه» اسلام «صالح‌تکامل و تعالی» را معرفی می‌کند که هدف آن برخلاف نظریه توسعه، ارزش‌ها و آرمان‌های مقدس و والای الهی و آسانی است و اقتصاد، پیشرفت و تکنولوژی باید در راستای تعالی انسانی باشد نه در مسیر توسعه اقتصادی و سرمایه‌داری. در واقع در اصل اخیر، اقتصاد ایفای نقش دارد اصالت نیست بلکه طریقت دارد. بر این اساس، دیگر نمی‌توان به هر شکلی بدان دست یافت بلکه از آنجا که هدف، تعالی انسانیت بر مدار مولفه‌های توحیدی است، طریق نیز باید از سند خف باشد تا منتهی به مطلوب شود. پس دیگر نمی‌توان با هر وسیله‌ای به هدف رسید، چرا که هدف تعالی انسانیت است و این با هر وسیله و طریقی سنخیت و سازگاری ندارد. بنابراین، در چنین نظامی با «هدف تعالی»، این اقتصاد است که باید در خدمت تکامل و تعالی انسانیت قرار گیرد و فرمول‌های علم اقتصاد باید با فطرت، تعالی روح و اهداف متعالی که خاندان برای بشریت ترسیم کرده کم‌وف و در مسیر آنها باشند، نه اینکه تمامی وجوه و شئون انسانی در خدمت اقتصاد قرار گیرد

و بر مسیر آن تقلیل، تغییر و یا نابود گردند. آنگونه که در تمدن ماتریالیستی غرب صورت گرفت. در نظام اندیشه‌ای اسلامی پیشرفت و توسعه‌ای (البته لفظ توسعه در اینجا با ساموچه همراه است) معتبر است که در مسیر تعالی روح بشر باشد، و تعالی روح نیز نه در توسعه اقتصادی صرف، که متوقف بر پرهیز از فزون‌طلبی، نفی تکاثر و حرص و از منع اسراف و تبذیر، پیروی از یک الگوی متعادل و معقول و متناسب با فطرت آدمی و نیازهای حقیقی وی و نفی شهوت‌رانی و هواپرستی است. حال برگردیم به همان کلیدوازه «پست‌ترین غریزه» و چرایی استفاده از این فرمول در تبلیغات رسانه‌ای به ویژه در بحث مورد نظر یعنی بانک‌ها. شاید تا اینجا مقفاری پاسخ روشن شده است که اشکال کار در کجاست؛ جایگزین شدن «اصل توسعه» و آرمان توسعه‌یافتگاری غربی به جای «صل تکامل و تعالی اسلامی» در برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های دولتها.

هنگامی که برخلاف تاکیدات مقام معظم رهبری بر اشتباه بودن لفظ توسعه و رد این مفهوم، توسعه اقتصادی و آرمان توسعه‌یافتگاری جوق اولویت‌های دولتها و برنامه‌هایشان و سندهای چشم‌انداز و راهبردی کشور قرار می‌گیرد، دیگر خیلی‌ها تعجب ندارد که شیوه تبلیغی در رسانه‌ها براساس پست‌ترین غرائز انسانی تعریف شود، چرا که هر لفظی بار معنایی و مفهومی دارد و هر مفهومی مقتضیاتی، اینکه بگوییم ما «توسعه» را با مولفه‌های اسلامی پی‌بریم در خوشبینانه‌ترین حالت،

اجتماعی

Ejtemaee @kayhan.ir

آسوده طلب تربیت یافته بودند جامعه را خواهان خود نیافته‌سر در گریبان شکست‌های عشقی و شغلی و انتخاب تنهایی فرو می‌برند.

دستاورد روانی لیبرالیسم
«واتسون» آینده پژوه بنیاد آینده پژوهی «ژند» در ایالات متحده آمریکا در پیش‌بینی بحران‌های جهان تا سال ۲۰۵۰، تفرد، افسردگی، اضطراب، خیانت و بدهی را از جمله بزرگ‌ترین بحران‌های بشری بر می‌شرد. واژگانی که همین امروز نیز به خوبی با آنها آشنایند بدون شک چنان سبک زندگی که در بالا از آن یاد شد محصولاتی این‌چنین به دنبال خواهد داشت و به زودی هم چنین است که امروزه اغلب مردمان جهان برای دستیابی به زندگی که رسانه‌ها برایشان متصور شده‌اند خانه و ماشین و ازدواج و ابزارهای منازلشان را بدهکارند، و حتی مسافرت‌های اجتنابی‌شان را و اوج گیری خیانت‌های زوجین یا شرکای مالی و تجاری و سبسی و سبسی و سبسی و حتی همگان شاهدند. این دستاورد تفکری است که نامش را لیبرالیسم نهانند و سبک زندگی مولود آن را در همه جوامع جهانی با ابزار رسانه‌ها گسترند و به آن مخفخرند. اما اندیشمندانی که نمی‌توانند چشم بر روی تهدیدهای دهشت‌انگیز نسل بشر ببندند آن را هشدار داده و می‌دهند. می‌بویان‌ها نفر از مردم جهان در حالی که خود را مسیحی یا مسلمان می‌نامند و یا خود خود را چنین یا رومی یا ایرانی و آلمانی می‌شناسند پیش از همه این‌سبت‌های دینی و ملی و فرهنگی، گویی وجودشان در تفکرات لیبرالیسم آمیخته اما آن را نمی‌شناسند زیرا شاخ و برگ‌هایش را نمی‌دانند و صرفاً آن را یک تفکر فلسفی یا سیاسی تصور کرده‌اند، اما آن چیزی است که روانشناسان و جامعه‌شناسان را موظف می‌کند تا به آسیب‌شناسی و بردارند و درمان را به شناخت و آشنایی با پیامدهای روانی و اجتماعی آن آگاه کنند.

مرثیه تنهایی
اینکه امروز در کشورهای مهد

دستاوردهای مختلف جامعه

آسوده طلب تربیت یافته بودند جامعه را خواهان خود نیافته‌سر در گریبان شکست‌های عشقی و شغلی و انتخاب تنهایی فرو می‌برند.

دستاورد روانی لیبرالیسم
«واتسون» آینده پژوه بنیاد آینده پژوهی «ژند» در ایالات متحده آمریکا در پیش‌بینی بحران‌های جهان تا سال ۲۰۵۰، تفرد، افسردگی، اضطراب، خیانت و بدهی را از جمله بزرگ‌ترین بحران‌های بشری بر می‌شرد. واژگانی که همین امروز نیز به خوبی با آنها آشنایند بدون شک چنان سبک زندگی که در بالا از آن یاد شد محصولاتی این‌چنین به دنبال خواهد داشت و به زودی هم چنین است که امروزه اغلب مردمان جهان برای دستیابی به زندگی که رسانه‌ها برایشان متصور شده‌اند خانه و ماشین و ازدواج و ابزارهای منازلشان را بدهکارند، و حتی مسافرت‌های اجتنابی‌شان را و اوج گیری خیانت‌های زوجین یا شرکای مالی و تجاری و سبسی و سبسی و سبسی و حتی همگان شاهدند. این دستاورد تفکری است که نامش را لیبرالیسم نهانند و سبک زندگی مولود آن را در همه جوامع جهانی با ابزار رسانه‌ها گسترند و به آن مخفخرند. اما اندیشمندانی که نمی‌توانند چشم بر روی تهدیدهای دهشت‌انگیز نسل بشر ببندند آن را هشدار داده و می‌دهند. می‌بویان‌ها نفر از مردم جهان در حالی که خود را مسیحی یا مسلمان می‌نامند و یا خود خود را چنین یا ایرانی و آلمانی می‌شناسند پیش از همه این‌سبت‌های دینی و ملی و فرهنگی، گویی وجودشان در تفکرات لیبرالیسم آمیخته اما آن را نمی‌شناسند زیرا شاخ و برگ‌هایش را نمی‌دانند و صرفاً آن را یک تفکر فلسفی یا سیاسی تصور کرده‌اند، اما آن چیزی است که روانشناسان و جامعه‌شناسان را موظف می‌کند تا به آسیب‌شناسی و بردارند و درمان را به شناخت و آشنایی با پیامدهای روانی و اجتماعی آن آگاه کنند.

اهمیت این مسئله وقتی بیشتر آشکار می‌شود، که وعده وعیدها و شیوه‌های تبلیغاتی برخی از کاندیداهادر انتخابات مختلف و نتایج کار منتخبین مردم در سطوح مختلف مدیریتی، از جمله مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا و همچنین معیارهای گزینشی افراد جامعه برای انتخاب کاندیدای موردنظر در سال‌های اخیر را مورد بررسی و کنکاش قرار دهیم. نقادی و نقد کردن عملکرد مسئولین و دستگاه‌های دولتی نمونه‌ای دیگر و امر پسندیده‌ای است که اگر از دایره انصاف خارج و به سیانمایی و تخریب منجر یا به معرک‌های برای طرح اختلافات جناحی و حزبی تبدیل شود، بسیار مخرب و زیانبار است و رعایت این نکته نیز همانند سایر موارد فوق‌الذکر، مستلزم فرهنگ‌سازی و بسان اثرات داخلی و خارجی نقادی غیرمنتفانه بر روند اجرای امور و حفظ منافع کشور و مصالح جامعه است.

بدیهی است که با توجه به شمولیت این موضوع به مسائل مختلف، فرهنگ‌سازی در بسیاری از دیگر موضوعات مانند؛ گردشگری، تفریح شهری، فرهنگت آثار و امکانات امنیتی اجتماعی متعددی را به دارای اهمیت فراوان است و لذا در این موارد نیز نباید ایجاد زیرساخت‌های فرهنگی و قانونی و سایر پیش‌نیازهای اجرایی مورد غفلت قرار گیرد.

طبیعی است- در این رابطه، بیستیرین نقش بر عهده نظام آموزشی ب‌ویژه مدارس و همچنین دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه و سایر بخش‌های فرهنگی قرار دارد، اما این موضوع، به معنای سلب شمولیت از دیگر ارکان و اجزای نظام اسلامی نیست و هر سازمان و نهادی و حتی هر خانواده‌ای، متناسب با مسئولیت‌های محوله، در تحقق این مهم نقش و وظیفه دارد.

در عین حال باید توجه داشته باشیم که؛ در صورت حفظ نظام اسلامی و همچنین منافع و مصالح مردم و کشور و اولویت قرار دارد و این کلیدوازه‌ای است که در جریان قانونگذاری و فرهنگ‌سازی باید به‌طور صریح و روشن برای مسئولین و افکار عمومی جامعه تشریح و توضیح داده شود.



خودفریبی و نادانی و در نگاهی غیرخوشبینانه، پروپولیسم و فریب افکار عمومی و حرکت در امواج جهانی امپریالیزم است. همان‌گونه که گفته شد آرمان توسعه‌یافتگی زاینده‌اصالت بقضیمت به رشد اقتصادی و غلبه اقتصاد بر تمامی وجوه بشری است و این آرمان مقتضیاتی دارد که در جمله آنها در زمینه تبلیغات، «حیوانی‌ترین و پست‌ترین غریزه آدمی» را نشانه پروپاگاندا خود قرار دادن است. براین اساس در نظامی که مبتنی بر «صالح‌الت توسعه» که خود بر بن‌مایه‌های ماتریالیستی و غرایز مادی نباشده طبیعی است که در رسانه در یک تبلیغ، نازل‌ترین غریزه انسانی عام از شهوت جنسی یا شهوت مادی‌گرایی و حرص و طمع و مال‌دوستی وی را هدف قرار دهد و از این‌ها جذب مشتری کند، چرا که در این نظام‌ها اصالت با سود است و آنهم سود محض و لاشرطاً، و هر آنچه که در مقابل این سود باشد باید کنار رود از آنجا که سود محضی را بقابل اشکاری با فراق اخلاقی و تعالی انسان است پس راهی نیست جز، نابودی اخلاقیات و مقتضیات تعالی روحانی. لذا استفاده از فرمول مذکور برای جذب مشتری بیشتر و به دنبال آن سرمایه و سود فراوان در نظام مبتنی بر توسعه‌امری بسیار متداول و عادی است، پس اگر بانک یا موسسه مالی برای تبلیغ و جذب مشتری، شهوت مال‌دوستی و دنیا‌گرایی انسان‌ها را هدف گرفت و مانوری شهوت‌انگیز در زرق و برق طلا و پول گرفته تا ویلایا و مجلل و خودروهای گرانیقیمت را در قشاق اقتصادی و غلبه اقتصاد بر رسانه به نمایش گذاشت، خیلی جای تعجب ندارد چرا که؛ اقتضای اصالت توسعه و مقتضیات آن عمل کرده، سؤال اینجاست که در کشوری که دارای حکومت اسلامی است چرا باید برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های دولتها مبتنی بر اصل توسعه صورت پذیرد؟

صفحه ۸
شنبه ۲۴ بهمن ۱۳۹۶
۲۶ جمادی‌الاول ۱۴۲۹ - شماره ۲۱۸۴۳

زیان‌های انتصاب افراد بدون در نظر گرفتن ویژگی‌های شخصیتی

شهریار هنر

شاید برای شما هم پیش آمده باشد که برای انجام کاری به یک اداره مراجعه نموده‌اید. قاعدتاً اولین اقدام شما در این مراجعه درخواست راهنمایی از متصدی گیشه راهنمایی یا از نگهبان درب ورودی است. لیکن با فردی عبوس برخورد می‌کنید که جواب سلام شما را هم با سر می‌دهد و در پاسخ شما فی‌المثل فقط به گفتن «لطیفه سووم» اکتفا می‌نماید. یا برای طی مراحل اخذ جواز ساختمانی به شهرداری، بخشداری یا فرمانداری می‌روید اما مسئول مربوطه در همان بدو ورود با رفتاری غیرمنتظره به شما می‌گوید نمی‌شود. این درحالیست که شما به درستی فکر می‌کنید که طبیعی‌ترین حق شما ارائه توضیحات و راهنمایی تومأم با احترام از جانب آن کارمند است. یا خواست‌اید با رئیس یا معاون یک اداره صحبت کنید و مدت طولانی پشت در اتاق او معطل شده‌اید و نهایتاً متوجه شدید که ایشان با دوستش در اتاق بوده یا اصلاً کسی در اتاق او نبوده است. یا در حال تماشای تلویزیون متوجه شدید که مجری ظاهراً پرازویی، به شکل توهین‌آمیزی با مخاطب صحبت می‌نماید و شما تصمیم گرفتید به سرعت کانال تلویزیون را تغییر دهید و…

اکثر ما بخش مهمی از وقتتمان را در ارتباط واقعی یا مجازی با تشکیلات دولتی، اعم از نهاده‌ها، سازمان‌ها و رسانه‌ها می‌گذرانیم. هر گونه ناهنجاری و تنش در این ارتباط به شکل استرس‌های قوی وارده بر روان ما تعریف می‌شود. این کنش‌ها و واکنش‌ها نسه تنها بر آرامش جامعه تأثیر منفی دارد بلکه می‌توان در ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی شاهد تأثیرات این ارتباط ناهنجار بود. اینکه برخی از ما موختمایم که با حیات کنرش و التماس به سازمان‌ها مراجعه کنیم یا حتماً هدیه‌ای (حداقل یک جعبه شیرینی) برای فلان مسئول یا کارمند ببریم تا حداقل برخوردی مودبانه با ما داشته باشند، یا در بسیاری ادارات شاهد درگیری ارباب رجوع و کارمندان بجهی، نشان‌دهنده یک ناهنجاری فرهنگی است. اینکه کارمندان انجام کار ارباب رجوع سرشان را با گوشی موبایل گرم می‌کنند یا اینکه بالاترین



مسئول دولتی یک شهرستان در بالاترین جلسه اداری با ناپختگی قابل ملاحظه عنوان می‌کند که او شمشلیک‌خور است، نمایانگر وجود اختلال جدی در سیستم سازمانی دولتی است.

در واقع سازمان‌ها چیزی جدا از افراد نیستند. سازمان‌ها به صورت سیستم‌هایی تعریف می‌شوند که مهم‌ترین اجزاء آنها افراد هستند. لذا اگر جزء یا اجزایی از سازمان دچار ناهنجاری باشند حتماً کل سیستم متأثر می‌شود. کارکنان دولت از طریق سازوکارهایی بکار گمارده می‌شوند و با دوره‌های آموزشی، در طول مدت خدمت تلاش می‌شود سطح کارایی و رفتاری آنها ارتقاء یابد، اما یا این تلاش‌ها مفید و کافی بوده است؟ مهم‌ترین ابزار کنترل و بهره گرفتن از توانمندی کارکنان در محیط سازمان‌ها، پرورنده‌هایی است که برای آنها تشکیل می‌شود. فی‌المثل پرورنده کارگزینی نشان‌دهنده کارایی و انضباط، پرورنده گزینش نمایانگر رفتار دینی، تعهد و اخلاق و پرورنده حراست‌ی مبین رفتار اجتماعی و سیاسی کارکنان است، لیکن در عمل شاهد هستیم که این پرورنده‌ها در انتخاب و انتصاب درست کارکنان کارایی ندارند. لذا پیشنهاد می‌شود مدیریت منابع انسانی با بکارگیری علوم روانشناختی، اعم از روانشناسی سازمانی، روانشناسی بالینی و مشاوره و شناخت دقیق ویژگی‌های شخصیتی و توانمندی‌های ذهنی و روانی افراد، گام مؤثری در ارتقاء سازمان‌ها بردارد. در این پیشنهاد تشکیل تیم‌های متمرکز روانشناسی برای استخدام، بکارگیری در پست‌های مناسب و رفع ناهنجاری‌های رفتاری در طول خدمت مد نظر است.

در صورت عملی شدن پیشنهاد فوق، سازمان می‌تواند با شناخت دقیق از ویژگی‌های شخصیتی و توانمندی‌های ذهنی کارکنان، از بروز خسارات و مشکلات مرتبط پیشگیری نماید. برای نمونه، فردی با شخصیت انزوا طلب قاعدتاً به درد روابط عمومی یا راهنمایی ارباب رجوع نمی‌خورد و بهتر است در پایگانی مشغول بکار شود. یا افراد دارای شخصیت ضد اجتماعی، با وجود تأثیر بسیار خوبی که در برخورد اول می‌گذارند، در پست‌های حساسی مانند شهردار و فرماندار و بخشدار منشأ آسیب‌های فراوانی برای سازمان و جامعه می‌شوند، لذا شناسایی و درمان آنها از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. گاهی ملاحظه می‌شود که گزینش افراد برای پست‌های مختلف بسیار سطحی اتفاق می‌افتد. فامیل بودن، هم شهری بودن یا حتی مجیزگویی از معیارهای انتخاب برخی افراد در پست‌های گوناگون است. برخی افراد نیز با مهارمی با جریانات سیاسی برخی مشاغل تخصصی را بدست می‌آورند که نمونه‌هایی از دادن پست برای جریانی فعالیت برخی افراد در زمان انتخابات دیده شده است. واحد روانشناسی در سازمان‌ها با تشکیل پرورنده‌های کارآمد می‌تواند جلوی این انتصاب‌های زیانبار را بگیرد.

یکی دیگر از فواید تشکیل واحد روانشناسی در سازمان‌ها اصلاح رفتارهای ناهنجار کارکنان دارای مشکل رفتاری است. مدیریت سازمان با مشاهده رفتار غیرعادی هر یک از کارکنان می‌تواند وی را برای درمان و اصلاح رفتار به واحد روانشناسی رجاع دهد. همچنین واحدهای روانشناسی می‌توانند نقش مهمی در ارتقاء شنشلی کارمندان ایفا نمایند. هم‌اکنون شاهد هستیم که تعداد کثیری کارشناس خبره و عالی در سازمان‌های دولتی مشغول به کارند لیکن کارایی ایشان بسیار محدود است و فی‌المثل مشکلاتی به‌عالی‌ترین مقام سازمان متکسر می‌شود، وی موضوع اصلی دستوروی کارشناسان ارجاع می‌دهد. کارشناسان مربوطه عیناً موضوع را طی مکاتبه به واحدهای پایین دستنی برای بررسی و اقدام لازم و اعلام نتیجه ارجاع می‌دهند. این داستان تا پایین‌ترین سطح سازمان ادامه می‌یابد و در نهایت اغلب پس از مابل نمودن ده‌ها و صدها برگ کاغذ، نامه آخر پایگانی می‌شود. این اتفاق بدلیل ناتوانی کارشناسان در اقدام کارشناسی مناسب، مربوطه عیناً موضوع را طی مکاتبه به واحدهای پایین دستنی برای بررسی و اقدام لازم و اعلام نتیجه ارجاع می‌دهند. این داستان تا پایین‌ترین سطح سازمان ادامه می‌یابد و در نهایت اغلب پس از مابل نمودن ده‌ها و صدها برگ کاغذ، نامه آخر پایگانی می‌شود. این اتفاق بدلیل ناتوانی کارشناسان در اقدام کارشناسی مناسب، وظایف واحدهای روانشناسی در سازمان خواهد بود.